

سرمقاله

ارتقای جنبش کارگری در گرو دفاع از سندیکای کارگران

شرکت واحد است !!!

تحولات کارگری آن قدر شتابان به پیش می روند، که فعالین کارگری می بایست گاه در پس و به دنبال آن گام بردارند. بی گمان اعلام اعتصاب سندیکای شرکت واحد در ۴ دی ۱۳۸۴ ارمغانی است که می تواند نوید بخش تحولات شاخصی در حیات جنبش کارگری باشد.

همان طور که انتظار می رفت، حاکمیت را یارای تحمل چنین حرکتی عمقی در جنبش کارگری نبود. چرا که حرکت سندیکای کارگران شرکت واحد به جنبش کارگری در واقع اعتماد به نفسی بخشید که پیش از شاهدش نبودیم. نشان داد که تنها می توان با اتکا به نیروی متحد خود، منسجم و آگاه در برابر سرمایه قد برافراشت. سندیکای شرکت واحد اولین تشکل مستقل کارگری بعد از دهه ی ۶۰ به شمار می رود، بدیهی ست استبداد سرمایه آن هم با مشخصاتی که ما در کشورمان سراغ داریم چنین جسارتی را از طرف کارگران تحمل نخواهد کرد.

از طرفی تحمل این جسارت نیز در هر حال به نفع حاکمیت نیست، چرا که جنبش کارگری ایران با روندی که در پیش گرفته است، در شرایطی که از اندک آزادی برخوردار باشد، می تواند هم چون بهمنی بر سر حاکمیت سرمایه داری فرو ریزد، پس سرمایه به ناچار می بایست گزینه ی سرکوب را به قصد کُند کردن حرکت این بهمن ویران گر انتخاب کند. از این روست که روز به روز بر شدت تقابل کار و سرمایه افزوده می شود، و اگر روند فعلی همچنان با سنجیدگی و آگاهی لازم همراه باشد، در نهایت بازنده ی نهایی این کارزار طبقاتی سرمایه خواهد بود.

علیرغم این که اعتصاب ۴ دی، مشارکت کمتر از ۳۰ درصدی کارگران شرکت واحد را به همراه داشت، اما همین درصد مشارکت نیز کافی بود، که کلمه ی زیبای اعتصاب در زبان میلیونها شهروند تهرانی جاری شود، و با این که بسیاری از مردم به واسطه ی این اعتصاب با تأخیر بر سر کار خویش حاضر شدند، اما بدون استثنا، نه تنها شکایتی نداشتند، بلکه کار سندیکای کارگران شرکت واحد را می ستودند. در کارگاه ها و کارخانه ها نیز کارگران تا چند روز با شور و شوق وافر در مورد این اعتصاب صحبت می کردند. اعتصاب واژه ای که

حاکمیت سرمایه تا چندی پیش از به کار بردن آن در رسانه هایش جلوگیری می کرد، امروز گریبان اش را گرفته و با وحشت نظاره گر تسری این واژه ی ممنوعه در واحدها و محیط های کارگری و کارمندی است. علیرغم بگیر و ببندها، اعتصاب کار خودش را کرده بود، این بار کارگران شرکت واحد با جسارت بیشتری در مورد خواسته های شان حرف می زدند. هیچ سلاحی نمی توانست این چنین تأثیرگذار و شگفتی ساز باشد، پس می بایست چاره ای اندیشیده می شد. تنها راه ممکن سرکوب عریان کارگران بود. بنابراین با اعلام اعتصاب ۸ بهمن از سوی سندیکا، سازمان دهندگان اش در همان ساعات اولیه صبح با یورش وحشیانه نیروهای امنیتی دستگیر شدند در بین بازداشت شدگان همسران و فرزندان خردسال دو تن از اعضای هیئت مدیره نیز به چشم می خورد، تعداد دستگیر شدگان بیش از هزار نفر بود. کارگرانی که به واسطه ی این یورش و قیحانه متواری شده بودند، به محض برگشتن به سر کار خود بازداشت شدند. به کارگران گفته اند که اگر می خواهند آزاد شوند باید توبه نامه بنویسند. مدیر عامل شرکت و حراست شرکت واحد از کارگران خلاصی یافته از زندان جلوگیری کرده است. تمامی این وحشیگری ها به قصد ارباب کارگران صورت می گیرد، تا از پیگیری مطالبات برحق خویش چشم پبوشند و چشم انتظار الطاف دولت محور سرمایه باشند!!

اگر چه این سرکوب موجب محکومیت حاکمیت سرمایه داری از سوی گروه ها و تشکل های بین المللی کارگری شده است، اما در صورتی که این حمایت ها تداوم نیابد، شاهد بیش از پیش تأثیر منفی این سرکوب خواهیم بود. در این میان حمایت و حضور تنگاتنگ فعالان کارگری در کنار هم طبقه ای های شرکت واحد می تواند اهمیت به سزایی داشته باشد. به ویژه که این حضور در روند خود به حمایت توده ای از کارگران شرکت واحد منجر شود این پشتیبانی ضرورتاً می بایست از حمایت و تقویت موجودیت سندیکای کارگران شرکت واحد و مطالبات مطروحه باشد.

در شرایط فعلی تعداد کثیری از کارگران واحد در زندان به سر می برند، بسیاری از فعالان حرکت های اخیر متواری هستند، به کارگران آزاد شده از زندان اجازه ی کار داده نمی شود، امروز که کارگران شرکت واحد چشم انتظار حمایت و همبستگی دیگر هم طبقه ای های شان هستند، درست در همین وضعیت غم انگیز، گرایشی با نوشتن نامه هایی به کارگران شرکت واحد، موجودیت سندیکا را به علت ساختار سندیکایی آن زیر سؤال می برد، این گرایش در حقیقت به انتخاب کارگران وقعی نهاده و در این آشفته بازار خواست خود را به پیش می برد. سندیکایی که با تمام نقاط قوت و ضعف اش، نمایندگی ۱۷ هزار کارگر را برعهده دارد، سندیکایی که با پشتوانه ی قاطع کارگران چشم در چشم حاکمیت سرمایه دوخته و رادیکالیسم شورانگیزی را با اعلام اعتصاب در این برهوت تشکل مستقل کارگری به نمایش می گذارد، سندیکایی که طعم شیرین تشکل مستقل را به کارگران چشانده و به طبقه ی کارگر، به معلمان، به پرستاران نشان داده که اعتماد به نفس، که جسارت، که اتحاد و آگاهی یعنی، سندیکایی که ارگان اعمال اراده ی کارگران است، نمی تواند در ردیف تشکلات هم

اسمش در اروپا و آمریکا گنجانده شود. امروز این خطای تاریخی و فاحشی خواهد بود، که تمایز آشکار سندیکای شرکت واحد با سندیکالیسم و رفرمیسمی که به وفور در اروپا و آمریکا یافت می شود فهمیده نشود. کارگران شرکت واحد، برای تشکیل چنین تشکل مستقلی رنج ها و مرارت های بسیاری را متحمل شده اند، پاشیدن تخم نفاق و دو دسته گی در میان آنان می تواند عواقب جبران ناپذیری برای جنبش کارگری در بر داشته باشد. گرایشی که این موقعیت خطیر جنبش کارگری و این تمایز را نادیده بگیرد، خواسته یا ناخواسته، این تشکل و حرکت شورانگیز کارگران را به قربانگاه سرمایه فرستاده است. به نظر ما وظیفه ی پیشروان و فعالان کارگری، نه توصیه ی جا به جایی شورا با سندیکا، بلکه حمایت و تقویت مؤثر از تشکل منتخب کارگران یعنی سندیکای کارگران شرکت واحد می باشد.

” طبقه ی کارگر به همه تشکلاتی که به نیروی خود سازمان دهی و برپا می شود نیاز دارد.“

” شورای هیئت تحریریه “

kargar.pishro@gmail.com